



حال به قاعده علمی، قانونگذار خواسته که پایه پولی تغییر نکند. سال ۱۳۹۲ نه به دنبال این بودیم که از خزانه پول بگیریم و نه اینکه بیهوده دولت‌های بعدی را بدهکار کنیم، بلکه هدف ما این بود تا قانون پولی و بانکی را اجرا کنیم، بدهی انباشته دولت‌ها را به سیستم بانکی تهاتر کنیم و صورت‌ها و استحکام مالی بانک مرکزی و بانک‌ها را ارتقا دهیم. جالب است بدانید یکی از اقلام اصلی بدهی دولت به بانک مرکزی مربوط به همان برداشت دولت از خزانه بانک مرکزی در سال ۱۳۸۰ و چگونگی محاسبات مربوط به تسعیر ارز در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ است.

● پس بخشی از این بدهی‌ها به دوران قبل از احمدی‌نژاد برمی‌گردد؟

اولاً چرا می‌گویید آقای احمدی‌نژاد؟ من سابقه و سیر تاریخی این مسأله را به شما گفتم. وزارت اقتصاد امین خزانه و بیت‌المال است. اگر من یا هر وزیر اقتصادی وارد جزئیات نشویم، دولت باید چند هزار میلیارد تومان بدهکار شود و طبق بند الف قانون پولی و بانکی، اسناد خزانه و اوراق بهادار را باید به بانک مرکزی بدهد. وزرا و دولت‌ها می‌روند اما این ملت است که می‌ماند. در واقع با این کار ملت را بدهکار می‌کنند.

● مخالفت‌ها از کجا شروع شد؟

معتقدم بخش عمده‌ای از مخالفت‌ها به این دلیل بود که متوجه شدند این یار در دولت افراد وارد جزئیات می‌شوند و زیر بار چنین تعهداتی نخواهند رفت، وگرنه شک نکنید اگر ما این مصوبه را به گونه‌ای می‌نوشتیم که یازده هزار میلیارد تومان بدهی دولت به مفهوم محدود تسویه و ۶۰ هزار میلیارد تومان صرف تعهدات واردکنندگان گردد، این مصوبه هرگز جنجالی نمی‌شد. این حدس و گمان من بود که امروز آن را به واقعیت خیلی نزدیک می‌بینیم. من مصاحبه مفصلی در سال ۹۳ در واکنش به بند لایحه حمایت از تولید در دولت یازدهم انجام داده و این مسأله را توضیح دادم.

● اما برخی از منتقدان شما

معتقد بودند این تصمیم دولت باعث افزایش پایه پولی می‌شود.

به یاد دارم در مصاحبه‌هایی که در ابتدای کار علیه این مصوبه دولت دهم صورت می‌گرفت، این حرف زده می‌شد. اما بعدها توسط همین افراد اصلاح شد، چرا که واضح است پایه پولی اجزایی دارد. یک جزء آن بدهی خالص دولت به بانک مرکزی و جزء دیگر خالص دارایی‌های خارجی بانک است. اگر عملیات تسعیر سبب افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی برحسب ریال شود، پس پایه پولی را افزایش می‌دهد. به طوری که وقتی تحولاتی در بازار ارز اتفاق افتاده و نرخ ارز بالا برود و دارایی‌های خارجی بانک مرکزی بیش از تعهدات خارجی آن باشد، خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی افزایش یافته و باعث بالا رفتن پایه پولی می‌شود. وقتی پایه پولی بالا می‌رود، نقدینگی نیز افزایش می‌یابد پس اگر فقط خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی افزایش یابد، اتفاقی که می‌افتد این است که پایه پولی بالا می‌رود، اما اگر شما قانون پولی و بانکی را به طور کامل اجرا کنید و اول بدهی‌های دولت به بانک مرکزی را بپردازید، این جزء پایه پولی (بدهی خالص دولت به بانک مرکزی) کاهش می‌یابد، لذا اگر نتیجه تسعیر، افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی باشد، این امر تعدیل می‌شود. یعنی شما اثر افزایش خالص دارایی‌های

خارجی بانک مرکزی را بر پایه پولی از طریق تهاتر یا کاهش بدهی‌های دولت به بانک مرکزی خنثی می‌کنید. شیوه‌ای که ما در مجمع بانک مرکزی اتخاذ کردیم، این بود که این اقدام صورت بگیرد و پایه پولی رشد نکند و مبادا مانند سال ۸۰ اینها را به عنوان منابع تلقی کرده و به عنوان پول پرقدرت در جامعه تزریق کنیم. نکته جالب این است که اتفاقاً معاون دیوان محاسبات به آقای بهمنی در تاریخ ۸/۴/۹۲ نامه‌ای نوشت و تصریح کرد: «این مصوبه را اجرا نکنید.» البته دلیل دیوان محاسبات افزایش پایه پولی یا حتی صوری بودن این دارایی‌ها نبود، بلکه در این نامه آمده بود: «باید مبلغ یازده هزار میلیارد تومان را بابت بدهی دولت تسویه کنید و بقیه را به خزانه واریز کنید که این به معنای افزایش پایه پولی بود، نه آن کاری که ما در مجمع تصویب کردیم.

● چرا دولت یازدهم این مصوبه

را ملغی کرد؟

البته دولت یازدهم آن را ملغی نکرد. باید دید مصوبه در چه چهارچوبی تنظیم و ابلاغ و چه ایراداتی به آن وارد شد. یکی از ایرادات این بود که گفته شد بعد از اجرای این مصوبه پایه پولی افزایش پیدا می‌کند که دیدیم چنین موضوعی صحت نداشت. نکته بعدی این بود که چرا این مسأله در شورای پول و اعتبار مطرح نشد، در حالی که این شورا در خصوص صورت‌های مالی نظر مشورتی دارد و بندی که به «تسعیر» مربوط است، از جنس تجدید ارزیابی دارایی می‌باشد و این از اختیارات مجمع عمومی بانک مرکزی بوده و یک ایراد کاملاً شکلی است. البته یک ایراد دیگری مطرح می‌کردند که این کار دولت دهم خلاف قانون است، لذا دیوان عدالت اداری، مصوبه مجمع عمومی بانک مرکزی را لغو کرد البته آن موقع مسئولان فعلی دولت یازدهم هم در خلاف آن مصوبه مصاحبه می‌کردند. ولی نکته جالب این بود که پس از بررسی‌ها متوجه شدند کار دولت قبل در خصوص تسعیر کاملاً قانونی بود. به هر حال آمدند قانون پولی و بانکی یعنی بند ب ماده ۲۶ را شتاب‌زده و بی‌جهت لغو کردند و یک ماده واحده غیرفنی را تصویب کردند. لذا لایحه حمایت از تولید خواست تلویحاً این بند را دوباره احیا کند که به نظرم درس عبرتی برای مخالفان این مصوبه شد. منتهی اگر به بند مربوط به لایحه دولت یازدهم توجه کنید، چند نکته مهم داشت. یکی اینکه درآمد ناشی از تسعیر را نه صوری بلکه واقعی تلقی می‌کرد، ولی محل مصرف آن تفاوت داشت. در مصوبه مجمع عمومی بانک مرکزی در دولت دهم (۱۳۹۲)، منابع حاصل، صرف پرداخت و تهاتر بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی می‌شد، ولی در لایحه دولت یازدهم، اول صرف پوشش تعهدات واردکنندگان و مازاد آن و اگر چیزی می‌ماند صرف پرداخت بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی می‌شد. خوب؛ خودتان قضاوت کنید اگر مصوبه مجمع غیرقانونی بود چرا قانون را تغییر دادند؟ اگر قانون بد بود چرا دوباره برای احیای آن لایحه بردند؟ اگر منابع صوری بود، چطور تعهدات واردکنندگان را می‌توان با آن پوشش داد؟ به هر حال مجلس با تغییراتی این بند لایحه را در دولت تدبیر تصویب کرد؟! یعنی قبول کرد که تعهدات واردکنندگان که نه من و نه شما می‌دانیم چه افرادی هستند از این محل پوشش داده و پرداخت شود، ولی بدهی بخش دولتی خیر. جالب است که دولت یازدهم همچنان دنبال قسمت بعدی و به



سال ۱۳۹۲ نه به دنبال این بودیم که از خزانه پول بگیریم و نه اینکه بیهوده دولت‌های بعدی را بدهکار کنیم، بلکه هدف ما این بود تا قانون پولی و بانکی را اجرا کنیم، بدهی انباشته دولت‌ها را به سیستم بانکی تهاتر کنیم و صورت‌ها و استحکام مالی بانک

مرکزی و بانک‌ها را ارتقا دهیم. جالب است بدانید یکی از اقلام اصلی بدهی دولت به بانک مرکزی مربوط به همان برداشت دولت از

خزانه بانک مرکزی در سال ۱۳۸۰ و چگونگی محاسبات مربوط به تسعیر ارز در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ است

نظرم تهاتر است، یعنی تهاتر بدهی بخش دولتی با سیستم بانکی. یعنی این موضوع را در تبصره ۱۹ لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ گنجانده است. البته کمیسیون تلفیق بودجه، در اسفند ماه سال ۱۳۹۴، این تبصره را رد کرد که اتفاقاً محل مفید و موجه استفاده از منابع تسعیر است. به هر حال در یک فضا و ظن سیاسی بند ب ماده ۲۶ قانون پولی و بانکی را لغو کردند و عده‌ای به اسم کارشناس هم تحلیل‌های موافق با آن فضا را ارائه کردند، ولی زحمت و تبعات نامیون آن برای کشور باقی مانده است و امروز همان کسانی که با آن مصوبه بانک مرکزی مخالفت کردند، این لویح را پیشنهاد می‌دهند.

● مجلسی‌ها با مصوبه بانک

مرکزی مخالف بودند. شما اصلاً برای توضیح این موضوع به مجلس رفتید؟

اینکه می‌گویید مجلس مخالف بود، منشأ این مخالفت جای دیگری بود. تا آنجا که من شنیده‌ام، ما دو مصوبه داشتیم که با تغییر دولت از سوی رئیس‌جمهور منتخب، محل ایراد واقع شد. یکی مصوبه‌ای بود که پیش‌بینی شده بود با استفاده از منابع ارزی ذخیره‌سازی مناسبی برای کالاهای اساسی صورت بگیرد، یکی هم مصوبه «تسعیر» بود. اخبار من حکایت دارد که افرادی از بانک مرکزی با ارائه گزارش‌هایی، این دو مصوبه را بدون توضیحات و توجیحات لازم با ابهام مواجه کردند. اتفاقاً زمان نشان داد هر دو این مصوبات کارشناسی و مسؤله‌نا بوده است. البته آن زمان کسی با عنوان دولت یازدهم مخالفت نکرد بلکه برخی از اشخاص که بعدها در دولت یازدهم مسئول شدند، با این دو مصوبه مخالف بودند. در سال ۱۳۹۲ نمایندگان مجلس پرونده ۶۵۰ میلیون یورویی را رانتی می‌دانستند که توسط دولت یازدهم داده شده است اما دولت یازدهم گفت: «شما اطلاع ندارید تهیه کالاهای اساسی چقدر سخت است و باید این کار را می‌کردیم. این مبلغ رانت نبوده بلکه یک ضرورت بوده است.» من وارد جزئیات این مسأله نمی‌شوم ولی این یک واقعیت است چون تا دولت یازدهم، مستقر شود فرض ما این بود که باید برای یک سال، کالاهای اساسی را ذخیره داشته باشیم. اما این مصوبه به نوعی به دلیل اعتراض رئیس‌جمهور منتخب لغو شد.

خطرم هست در عنوان به عنوان وزیر دولت دهم با آقای روحانی و بعد از آن چند تن از نزدیکان دولت یازدهم مانند نهانوندیان، نیلی، ترکان و... قبل از تشکیل کابینه داشتم به آنها گفتم: «شما چرا با این مصوبه مخالفت کردید زیرا این مصوبه که به نفع شماست.» به نظرم در آنجا وادار به تأمل شدند و بعداً این مسأله را اصلاح کردند و نهایتاً آن زمان مصوبه ۱۰ میلیاردی به ۲ میلیارد تبدیل و اجرا شد. وقتی دولت یازدهم سرکار آمد، کشور را با ذخایر کالای اساسی بسیار خوبی تحویل گرفت. خرید مناسبی هم انجام گرفته بود و کالاهای اساسی در راه کشور بودند. نهایتاً مصوبه اول تا حدودی اصلاح شد اما مصوبه دوم که درباره تسعیر بود متوقف

شد که توضیح دادم چطور با تغییر محل مصارف دوباره احیا شد و چگونه همچنان ماجرا در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ دنبال شد.

● ماجرای شکایت احمد توکلی

از دولت در این ماجرا چه بود.

گویا وی از دولت بر سر این

مصوبه شکایت کرد؟

احمد توکلی به همراه شخص دیگری، به دیوان عدالت اداری شکایت کرد. آنها در ابتدا مدعی شدند: دولت با این کار پایه پولی را افزایش می‌دهد، برای من بسیار جالب بود که این افراد دچار چنین اشتباهی شدند. اما وقتی که دیدند این موضوع پایه پولی را افزایش نمی‌دهد و در چهارچوب قانون است، براساس یک ظن سیاسی طرحی دوفوریتی را به مجلس بردند. از آنجا که طرح دوفوریتی طول می‌کشید، همزمان این مسأله را در دیوان عدالت نیز مطرح کردند. نهایتاً مصوبه دیوان عدالت از طرح دوفوریتی نیز زودتر به نتیجه رسید. خوب توضیح دادم که چه بر سر بند ب ماده ۲۶ قانون پولی و بانکی آمد و چگونه یک قانون درست و دائمی به یک ساده واحده قانونی مودی و نادرست تبدیل شد.

یقین و اعتقاد دارم تسعیر یک کار فنی و الزام قانون است و باید انجام می‌شد و نکته جالب‌تر که هیچ وقت پاسخ آن را پیدا نکردم، این است که اگر اینها پذیرفتند که تسعیر یک کار صوری است و سودش نیز یک سود صوری است، پس چرا زیان آن را حقیقی پنداشتند چون «بند الف» قانون پولی و بانکی می‌گوید: وقتی نرخ ارز کاهش پیدا کرد و از این منظر زیانی نصیب بانک مرکزی شد، دولت باید اوراق خزانه در اختیار بانک مرکزی قرار دهد یعنی مطابق «بند الف» چنانچه در صورت تسعیر، زیان حاصل شود، بدهکار کردن ملت است و باید دولت به نیابت از ملت به بانک مرکزی اسناد خزانه بدهد، اما وقتی تسعیر به درآمد و سود منجر شد، باید صوری تلقی شود. بماند که وقتی شبیه صوری بودن آن هم برطرف شد، با توجه به لایحه دولت یازدهم تحت عنوان حمایت از تولید و مصوبه مجلس، اولویت پرداخت بدهی دولت به بانک مرکزی جای خود را به پوشش تعهدات واردکنندگان داد. جالب است مجلس هم در لایحه‌ای که به اسم حمایت از تولید تحویل شد، پذیرفت این اندوخته ملی که در ماده واحده نسخ بند ب ماده ۲۶ به صورت من درآوردی تحت عنوان مازاد حاصل از ارزیابی دارایی‌های خارجی ثبت شده است، صرف حمایت از پوشش تعهدات واردکنندگان شود؛ یعنی به اسم تولید و به کام واردکننده!

البته در تبصره ۱۹ لایحه بودجه سال ۱۳۹۵، مجدد دولت به فکر پرداخت بدهی بانک‌های دولتی به بانک مرکزی و بدهی دولت به بانک‌ها برآمده که عدد آن هم پنجاه هزار میلیارد تومان پیشنهاد شده است که دیگر کسی هم حرفی از افزایش نقدینگی و صوری بودن درآمد و نظایر آن نمی‌زند. همان‌هایی که به مصوبه بهار سال ۱۳۹۲ انتقاد کردند، این پیشنهادها را می‌برند، البته در لفاغه و پوشش لویح نامرتب.

ماجرای تسعیر نرخ ارز



برش

اگر عملیات تسعیر سبب افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی برحسب ریال شود، پس پایه پولی را افزایش می‌دهد. به طوری که وقتی تحولاتی در بازار ارز اتفاق افتاده و نرخ ارز بالا برود و دارایی‌های خارجی بانک مرکزی بیش از تعهدات خارجی آن باشد، خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی افزایش یافته و باعث بالا رفتن پایه پولی می‌شود. وقتی پایه پولی بالا می‌رود نقدینگی نیز افزایش می‌یابد پس اگر فقط خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی افزایش یابد، اتفاقی که می‌افتد این است که پایه پولی بالا می‌رود، اما اگر شما قانون پولی و بانکی را به طور کامل اجرا کنید و اول بدهی‌های دولت به بانک مرکزی را بپردازید، این جزء پایه پولی (بدهی خالص دولت به بانک مرکزی) کاهش می‌یابد، لذا اگر نتیجه تسعیر، افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی باشد، این امر تعدیل می‌شود.

این مباحث دوباره مطرح و در آنجا با جزئیات تعیین تکلیف شد.

● حالا چرا ۷۴ هزار میلیارد

تومان؟

خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی یک ارزش ارزی یا دلاری دارد. وقتی ارز گران شد، مابه‌التفاوت ارز ۱۲۲۶ تومانی به ارز ۲۴۵۰ تومانی ضربدر خالص ارزش ارزی دارایی‌های خارجی بانک مرکزی، برابر این عدد می‌شد و این رقم به دست می‌آمد. یعنی یک محاسبه بود و اصلاً جای چانه زدن ندارد. (مصوبه ۱۳/۰۳/۹۲ و ۲۰/۰۳/۹۲مجمع عمومی بانک مرکزی موجود است).

سیس در تاریخ ۰۹/۰۴/۹۲ نیز یک مجمع عمومی عادی به صورت فوق‌العاده به ریاست آقای احمدی‌نژاد در محل نهاد ریاست جمهوری برگزار و مقرر شد ۷۴۰ هزار میلیارد ریال سود حاصل از تسعیر چگونه تسویه شود. به عبارتی محل‌های مصرف آن که عمدتاً تسویه بدهی دولتی به بانک مرکزی بود، تعیین شد.

بدین ترتیب چند نکته را تصریح می‌کنم، (۱) این مسأله موضوعی نبود که خلق‌الساعه در مصوبه مجمع بانک مرکزی مطرح شود بلکه دارای

اقدام دولت روحانی شتاب‌زده بود



برش

آمدند قانون پولی و بانکی یعنی بند ب ماده ۲۶ را شتاب‌زده و بی‌جهت لغو کردند و یک ماده واحده غیرفنی را تصویب کردند. لذا طولی نکشید دولت یازدهم در قالب لایحه حمایت از تولید خواست تلویحاً این بند را دوباره احیا کند که به نظرم درس عبرتی برای مخالفان این مصوبه شد. منتهی اگر به بند مربوط به لایحه دولت یازدهم توجه کنید، چند نکته مهم داشت. یکی اینکه درآمد ناشی از تسعیر را نه صوری بلکه واقعی تلقی می‌کرد، ولی محل مصرف آن تفاوت داشت. در مصوبه مجمع عمومی بانک مرکزی در دولت دهم (۱۳۹۲)، منابع حاصل، صرف پرداخت و تهاتر بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی می‌شد، ولی در لایحه دولت یازدهم، اول صرف پوشش تعهدات واردکنندگان و مازاد آن و اگر چیزی می‌ماند صرف پرداخت بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی می‌شد.